

متشکل شدن کارگران اخراجی و بیکار شده، گامی در جهت وحدت آفرینی جنبش کارگری و ارتش میلیونی اخراجی ها و بیکاران

امیرجوهری لنگرودی

amirjavaheri@yahoo.com

آبان ۱۳۸۹

کارگران ایران شرایط بسیار بدی دارند را تحمل می کنند. عدم امنیت شغلی برای کلیه ی کارگران عمومیت دارد و آنان مجبورند بخاطر ترس از اخراج از بسیاری از حقوق خود چشم پوشند. می توان گفت: تقریباً روزی نیست که خبر اخراج و بیکار شدن از کار، دردرون خانه کارگری نیچد که فلانی هم اخراج شد. روزی نیست که از تعطیلی و اخراج، بیکار شدن و از گردش کار و ماندن، خیل وسیع کارگران به ما خبر نرسد. آنچه در زیر می آید، تنها تیترا مطالب مربوط به اخراج ها و بیکار شدن ها در کارگاههای تولیدی و واحد های صنعتی و بخش خدمات طی ماههای اخیر است:

* هفتصد (۷۰۰) تن کارگر اخراجی نوشابه سازی ساسان بیمه بیکاری دریافت نکردند

* اخراج ۳۴۰۰ کارگر در استان گلستان و بیکاری ۵۲ هزار کارگر در عسلویه

* نرخ بیکاری در ۲۶ استان کشور افزایش یافته است

* وزیر کار و امور اجتماعی (شیخ اسلامی)؛ گزارش بیکاری مرکز آمار غلط است

* واکنش مرکز آمار ایران به سخنان وزیر کار و امور اجتماعی: بیکاری افزایش پیدا کرده است

* تعطیلی کارخانه و اخراج ۶۰ کارگر قراردادی کارخانه لوله و ماشین سازی در جاده ساوه

* اخراج ۷۸ نفر از کارگران شرکت یاسان، طراح و سازنده انواع دکل های انتقال نیرو در کیلومتر ۱۲ جاده اراک

* تجمع مقابل مجلس، بخاطر اخراج ۱۲۰ هزار معلم باز خرید شده در سراسر ایران

* اخراج از کار در ۴ ماهه ابتدای امسال دو برابر شد

* اشتغال بنویسید، بیکاری بخوانید

* اخراج ۴۱۵ کارخانه فرش و پتوی تبریز

* طی ۵ سال اخیر ۷۳۰ هزار کشاورز بیکار شده اند.

* در تهران قریب به ۸۰۰ هزار نفر بیکار و جویای کار وجود دارد که سهم قابل توجهی از آنان را زنان تشکیل می‌دهند

* اخراج ۱۲ نفر از کارگران شرکت خدمات کشاورزی واقع در سنندج

* اخراج کارگران کارخانه دارو سازی حکیم

* شش شهریور. اخراج از کار در ۴ ماهه ابتدای امسال دو برابر شد

* هشت شهریور: جمعیت بیکاران کشور؛ یک قدم تا ۵ میلیون نفر

* ۲۲ شهریور: بیکاری ۵۰۰ هزار زن در سه ماهه امسال/نیمی از دختران جوان بیکارند

* ۲۳ شهریور- تجمع ۳۰۰ تن کارگران قزوینی مقابل دفتر کارخانه در تهران

* ۲۸ شهریور- جوان ایرانی و نرخ بیکاری ۵۰ درصدی

* اول مهر- اخراج ۱۰۰ نفر از کارگران کارخانه تولید بنزین در بوشهر

* ۳ مهر- ۶۵-۵۰ درصد زنان کارجو بیکار هستند/در بهار امسال بیش از ۵۰۰ هزار زن بیکار شده اند.

* در تازه ترین خبر ها هیات حل اختلاف شوش ۴ فعال کارگری از شرکت نیشکر هفت‌تپه اخراج شدند

* ۱۵۰ کارگر پرنده آبی جهان اخراج شدند

* اخراج قریب الوقوع صدها کارگر پالایشگاه آبادان

* بازداشت دو اعتصابی و اخراج یک فعال کارگری در کردستان

* اخراج کارگر فولاد گیلان

* ۳ مهر - کارخانه درب و پنجره سازی سیرنگ عمران واقع در رشت که جزء مجموعه تولیدی اشی مشی می باشد ، قبل از راه اندازی تعطیل و کلیه کارگران این کارخانه اخراج شدند .

* ۱۶ مهر تعداد ۲۰ هزار جوان در شرق گلستان بیکار هستند

* ۱۸ مهر. بالارفتن نرخ بیکاری/بیکاری جوانان بالای ۶۰ درصد

* ۱۸ مهر. اخراج ده استاد جوان دانشگاه شهید بهشتی

* ۱۹ مهر. احتمال تعطیلی کارخانه‌های انرژی بر و بیکاری کارگران

* ۲۶ مهر - اخراج ۱۵۰ نفر از کارکنان دانشگاه سیستان و بلوچستان

* ۲۶ مهر : سایت کلمه می نویسد ؛ گزارش منتشر نشده‌ی مرکز آمار: در یک سال اخیر، ۵۰۰ هزار نفر بیکار شده‌اند!

* ۲۸ مهر - سایت کلمه نوشت ؛ جمعیت بیکاران ایران به پنج میلیون نفر می‌رسد

* جمعیت بیکاران کشور؛ یک قدم تا ۵ میلیون نفر

به این مجموعه باید افزود؛ بسیاری از کارگران صنایع کوچک مانند چرمسازی، کارگاه‌های نساجی و کارگران صنایع سنگین در چند سال گذشته شغل خود را به صورت دسته جمعی از دست داده اند. اخراج ۲۵۰۰ کارگر در کارگاه‌های تولید کفش اصفهان، اخراج ۴۰۰۰ کارگر مشغول به کار در واحدهای بسته بندی خرما در خوزستان، اخراج کارگران کارخانه سامان، مخابرات سقز، ایران صدرای بوشهر، لوله سازی اهواز، ایران تفال ساوه، کشت و صنعت شمال، پایا هوایار و شرکت تولید نوشابه خرمنوش خرمشهر، موتوژن، تراکتورسازی تبریز و کبریت سازی و... همگی نمونه‌هایی از یک معضل وورشکستگی اقتصادی هستند. معضلی که از بی نقشه گی، بی برنامه گی، بی لیاقتی و بی سیاستی سردمداران نظام سرچشمه می گیرد. چه از جانب دولت بعنوان بزرگترین کارفرما و چه بخش خودمانی شده، به دلیل مشکلات مالی و بدهی‌های سنگین به بانک‌ها و پیمانکاران، مجبور به کم کردن نیروی کار و اخراج کارکنان خود می گردند.

یکی از عریان ترین مظاهر شکست کامل سیاست های اشتغال زایی دولت پادگانی؛ خیل عظیم جویندگان کار است که در میادین مرکزی شهرستان های بزرگ و پاتوق های خاص بیکاران، خاصه در قهوه خانه های تهران و سایر کلان شهرها همه روزه به چشم می خورند. اکنون دیگر کاملاً آشکار شده است که طرح بنگاه های زودبازده دولت احمدی نژاد جز یک نانخانه تازه برای بروکراسی فاسد کشور نبوده است. این ادعای پروژه های زودبازده، هر کدام منبع غارت گیرنده گان وام های بزرگ و بدهی آنان به بانک های کشور و دزدی های لایه های بالایی دستگاه سرکوب نظامی/ امنیتی در بین سپاه و بسیج بوده که همگی به عامل وورشکستگی و بدهکاری گروه هایی از بیکاران جویای کار، به فرجام دیگری نرسیده است. بیکاری روزه به روز گسترش می یابد و رژیم نه تنها توان ایجاد اشتغال برای میلیونها جوان تحصیل کرده را ندارد که حتی نمی تواند سطح اشتغال موجود را حفظ کند. تنها کار رژیم، دادن آمارهای دروغ از طریق تراش دادن و نازک تر کردن مفهوم بیکاری است. این ها مثل کبک سرشان را زیر برف می کنند و خیال می کنند اگر تعریف اشتغال را از کسی که در هفته دو ساعت کار می کند به یک ساعت تقلیل بدهند، مشکل بیکاری در جامعه گم و ناپیدا می شود. در حالی که برای دروغ های تهوع آور مدیران فاسد و ناکارا، خوراک تازه تولید می کنند و در واقعیت بیکاری تغییری ایجاد نمی شود. لذا

از یکسو، فقدان سازمان دهی و کم توجهی به وضعیت بیکاران؛ شرایطی را برای رژیم فراهم ساخته تا از وجود این لشکر ذخیره به عنوان تهدیدی برای حق کارواشتغال کارگران شاغل بهره برداری کند. از سوی دیگر اکنون با طرح دولت احمدی نژاد برای "هدفمند کردن یارانه ها" یا حذف سوبسید های دولتی، بیکاری می تواند به مصیبت بزرگ تری تبدیل شود. چرا که این طرح با رشد تورم و گران تر کردن هزینه های لازم در صنعت و کشاورزی و حمل و نقل و غیره... پیامد های اسفبار اجرایی شدن این پروژه، این خواهد بود که اولاً دستمزدهای واقعی کاهش یابند، ثانیاً به عقب انداختن پرداخت دستمزدها حتی از آنچه اکنون هست، بیشتر بشود، ثالثاً بخشی از نیروی کار اخراج شود و عملاً ساعات کار و شدت کار پرسنل باقی مانده افزایش یابد و موضوع پرداخت حقوق های معوقه کارگران لاینحل بماند.

در اینجا باید گفت؛ اگر در تمام دوره موجودیت جمهوری اسلامی، بیکاری و اخراج یکی از مهم ترین مشکلات اقتصاد ایران بوده و همانا این معضل در دامن زدن به بسیاری از مصیبت های اجتماعی دیگرما (فقر - بی مسکنی و بی خانمانی - اعتیاد - فحشا و ...) نقش تعیین کننده ای داشته است. هنگامی که هزاران و میلیون ها کارگر از کارگاهها و صنایع تولیدی اخراج می شوند، هیچ کارفرمایی دلیلی نمی بیند تا برای این کار مجوزی بگیرد و دولت را قانع کند و دولت هم خود بعنوان بزرگترین کارفرما، فقط تماشاگر ماجرا و نظاره گری در بدبختی مردمان بیکار شده است. دولت گویا خود را ملزم به دفاع از کارفرمایان بخش خودمانی می داند. کارگران تنها با تکیه به نیروی تشکیلات کارگری خود می توانند کارفرمایان و شبکه مافیای آقازاده ها را به عقب نشینی وادارند و تحقق مطالبات خود را عملی کنند.

می پذیریم که معضل بزرگ طبقه ی کارگرما، در پراکندگی جنبش کارگری است. آنچه که شعار "کارگران جهان متحد شوید" را بر پیشانی مانیفست نقش بست از روی خواست صرف آرزومندان یک منجی نبوده است. بلکه این شعار از روی منافع مشترک طبقه ی کارگرنشأت گرفته و زبان حال او در سراسر جامعه ی طبقاتی و جهان سرمایه داری است. پذیرش این واقعیت، از این رومعنی می یابد که طبقه سرمایه دار، همواره برای افزودن بر مقدار ارزش اضافی خویش و انباشت فزونتر سرمایه خود، هر روزه به سطح معیشت کارگران حمله می برد. بعبارتی سرمایه دار، جز این راهی نداشته و ندارد که برای برون رفت از بحران ذاتی خود، فشار را به گرده کارگر برد. گاه او را زیر بار قرارداد موقت بکشاند. بوقت اعتصاب با نیروی سرکوب ارتش، قوای نظامی، نیروهای امنیتی و لباس شخصی ها، کشاندن بسیج، سپاه و سایر قوای سرکوبگرش، مانع اعتصاب کارگران شود و آنان را از اعتصاب بازدارند تا حق اجتماع و اعتراض نداشته باشد. از بیمه بیکاری اش بکاهد و دریافت پاداش و دستمزد کافی و پاسخود را برابری و رشد تورم، حق مسکن و ایاب و ذهاب و غیره... را بی معنی سازد. در وقت لزوم، بیکارش سازند و اخراجش نمایند و بزندگی مرگبار بکشاندش. با توجه به سلسله واقعیات موجود، کارگران تنها در تحکیم موقعیت طبقاتی و پیوند مبارزاتی خویش با هم طبقه ی هایشان، می توانند با پایه ریزی وحدت در درون طبقه خویش بطور واقعی، آنهم برای وصول مطالبات شان و خاصه جلوگیری از اخراج و بیکار شدن، یگانه شوند. کارگران راهی جز وحدت و متشکل شدن ندارند.

منفعت پیکره این همه کارگران بیمار شده و اخراجی در یک چیز تعریف می گردد و آنهم بازگشت بر سر کار می باشد. خود همین بازگشت مضمون متشکل شدن و متحد شدن این

خیل وسیع دهها ، صد ها ، هزاران نفره و میلیون ها کارگر بیکار شده را ظرف خود سامان خویش معنی می بخشد. چنانچه این نیروی پُرشمارمتشکل گردد و قدرت میلیونی خود را جمع کند و با ایجاد صندوق بیکاری بتواند تشکیلات منسجم و مستقل شان را سازمان دهند ، امروزبیش ازهرچیز، پایه ریزی استوارانه تشکلی را بنیان گذاشته اند ، اولاً مضمون کارآن روشن است ، ثانیاً درپوشش سراسری تعریف می گردد ثالثاً هیچ چیزی فرا تراخراج و بیکار شدن ازکار، آن ها را تهدید نمی کند.

سازماندهی بیکاران به عنوان یک لشکرشورشی و عاصی نیروی عظیمی را به جنبش اعتراضی پیوند می دهد و عامل تضعیف دیکتاتوری و تقویت پیکار ضد دیکتاتوری است. ازاین رو توجه به وضعیت جوانان بیکار ، تاکید بر اهمیت سازمان یابی بیکاران، فراخوان به جوانان بیکار در بهره برداری از پیوندهای دوستی؛ آشنایی و خانوادگی میان خویش در ایجاد هسته های اعتراضی، بهره برداری از اینترنت به عنوان وسیله شبکه سازی میان جوانان بیکار، راهکارهایی برای تقویت اعتراض جمعی علیه بیکاری است.

در یک کلام پیروزی همه بیکاران و کارگران اخراجی در گرو به میدان آمدن و متشکل شدن همه آنان است . یگانه چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است. باز هم در این باب با هم سخن خواهیم داشت.